

واقعیت این است
که طالبان، با آن
موهای بلند و
ژولیده، با آن ریش
بلند و نامرتب، با آن
چهره‌های آفتاب
سوخته و خشن،
با آن تفنگ‌های تا
بیخ خشاب مسلح
و با آن کلاه‌های
پشتونی غریبه برای
ما، خشن‌تر از آنچه
که هست به نظر
می‌رسد

رفتند، خودشان هم برمی‌گردند. ما کاری به کسی نداریم. دلم می‌خواهد باور نکنم، اما آنچه که من می‌دیدم را اگر شما هم می‌دیدید می‌پذیرفتید. واقعیت این است که طالبان، با آن موهای بلند و ژولیده، با آن ریش بلند و نامرتب، با آن چهره‌های آفتاب سوخته و خشن، با آن تفنگ‌های تا بیخ خشاب مسلح و با آن کلاه‌های پشتونی غریبه برای ما، خشن‌تر از آنچه که هست به نظر می‌رسد، ما از طالبان بیشتر می‌ترسیم تا آن که طالبانی‌ها بخواهند ما را بترسانند. طالبان اتفاقاً خیلی تلاش می‌کند که اوضاع را از آنی که هست هم آرام‌تر نشان بدهد، انگار که بی حساب محبت می‌کنند و دوست دارند با هر غریبه‌ای که می‌آید عکس بگیرند، بعضی‌هاشان از وضو گرفتن ما شیعیان تعریف می‌کنند و می‌گویند که این شکل وضو اتفاقاً درست‌تر است، وقتی که می‌خواهیم نماز بخوانیم برای ما دنبال سنگ به عنوان مهر می‌گردند و از همه عجیب‌تر اینکه از مردم ایران خاطره خوبی دارند. البته و بدون شک رفتار طالبان با زن‌ها هنوز احتیاج به ریگلاژ دارد، اما اجازه بدهید به جای طالبان از کلمه مردم افغانستان استفاده کنیم! شاید جمله قبلی برای شما عجیب باشد، اما در بخش‌های بعدی بیشتر توضیح خواهیم داد. اجازه بدهید از اصل روایت گم‌نشویم.

تفاوت جنگ با کودتا

تا حالا در شهری که کودتا شده بوده‌اید؟! اسلحه فقط دست یک جناح است، اصلاً ذات کودتا به زبان ساده این است که ارتش می‌آید و کت و شلواری‌ها را بیرون می‌کند و خودش حکومت را به دست می‌گیرد، بعد خودش کت و شلوار می‌پوشد و آنها که ترسیده‌اند فرار می‌کنند و آنها که نترسیده‌اند بازداشت یا کشته می‌شوند. این خیلی فرق می‌کند با جنگ! فرقی در این است که در جنگ دو نفر به هم شلیک می‌کنند و آن کسی پیروز می‌شود که طرف مقابل را بکشد، وادار به تسلیم یا عقب‌نشینی کند، اما اینجا انگار همه چیز خیلی آسان اتفاق افتاده است. انگار نظامی‌ها به کت و شلواری‌ها اسلحه نشان داده‌اند و آنهايي که اهل جنگ نبوده‌اند رفته‌اند، بجز یک ساختمان راکت خورده، حدود سی، چهل جای گلوله خیلی خیلی پراکنده و چند ماشین منهدم شده از دو طرف که تعدادشان به انگشتان دست هم نمی‌رسد هیچ اثری از جنگ در دره پنجشیر نیست. بعضی از اهالی حتی از کشتن هشت غیرنظامی با دستان بسته حرف می‌زنند که به خاطر عکسی که با لباس نظامی روی تلفن همراهشان بود کشته شده‌اند، اما در مقابل، مردم دیگری هستند که می‌گویند آنها بچه‌های مقاومت بودند، کمین زدند و به کوه فرار کردند، بعد که برگشتند تا سلاح‌های مخفی شده‌شان را بردارند درگیر و کشته شدند. اینها همه روایت‌های مختلف خود مردم پنجشیر است، طالبانی‌ها حتی پنج غیرنظامی را تأیید می‌کنند و می‌گویند ما در کوه به دنبال نظامی‌ها رفته بودیم که با پنج نفر روبه‌رو شدیم، آنها فرار کردند و ما هم در تاریکی شب به اشتباه شلیک کردیم. ما هیچ کدام از این حرف‌ها را تأیید نمی‌کنیم، اما اینها را گفتم که بدانید اینجا اینقدر برای هر اتفاق از دو طرف روایت مختلف وجود دارد که نمی‌توان روی یکی قسم خورد! ببینید دوهزار کیلومتر آن طرف‌تر، در تهران چه خبر است!